

گزارش «فرهیختگان» از آخرین تحولات قانون حجاب

# بانکی‌پور، جریمه، طرح حجاب و عفاف و...



زهرا طیبی خبرنگار گروه نقد روز

از مردادماه امسال که لایحه عفاف و حجاب به تصویب مجلسی‌ها رسید و به شورای نگهبان ارسال شد، تا روز گذشته که طرح برای بار سوم به شورای نگهبان رفت، حواشی و اظهارات متفاوتی درباره لایحه عفاف و حجاب منتشر شد، امری که در سایه نبود اطلاع‌رسانی درست درباره این لایحه به بی‌اعتمادی موجود در جامعه دامن زد و در سمت دیگر نیز ایرادهایی که به لایحه وارد بود به این نارضایتی‌ها اضافه شد. با این حال بعد از گذشت نزدیک به هفت‌ماه از تصویب این لایحه، افکار عمومی همچنان درک دقیقی از لایحه تصویب‌شده ندارد. در سایه همین بی‌اطلاعی امیرحسین بانکی‌پور از تغییرات اخیر لایحه عفاف و حجاب مبنی‌بر جریمه سه میلیونی و کسر آن از حساب فرد صحبت کرد. حرفی که واکنش‌های منفی زیادی به همراه داشت. این احتمال وجود داشت این اصلاحات با واکنش افکار عمومی همراه شود، اما این موضوع در شرایطی مطرح شد که مشارکت ۴۰ درصدی در انتخابات و میزان آرای باطله این پیام را به همراه داشت که هنوز نسبت به برخی موضوعات نارضایتی وجود دارد، اما به‌نظر می‌رسد در نگاه برخی از نمایندگان مجلس این نارضایتی اساسا اهمیت چندانی ندارد. در این یک هفته عمده موضوعات مطرح میان نمایندگان مجلس، دعوی‌ان نمایندگان منتخب و حواشی آن و حالانیز تصویب مجازات سه میلیونی در لایحه عفاف و حجاب است، امری که حداقل خروجی آن ترمیم نارضایتی‌های به‌وجود آمده در جامعه نخواهد بود، چه‌بسا آن را تشدید نیز خواهد کرد.

درحقیقت در میان موضوعات مطرح‌شده در یک هفته اخیر بعد از انتخابات اثری از پیگیری دغدغه‌های مردم در اقدامات و اظهارات مسئولان دیده نمی‌شود.

□ □ □

▬ **لایحه عفاف و حجاب به نفع پولدارهاست؟**

لایحه عفاف و حجاب از جمله لوایح پرحاشیه و جنجالی مجلس یازدهم است که برعکس طرح صیانت که کنار گذاشته شد، با تغییرات چندباره در جلسات کمیسیون و صحن به تصویب مجلس رسید. اگرچه دربار حجاب هم مثل طرح صیانت ۸۵ شد و بررسی آن به جای صحن در کمیسیون صورت گرفت، اما نهایتا نمایندگان مجلس به اجرای آزمایشی آن برای سه سال رای دادند. در این مدت هم تقد‌ها و تحلیل‌های زیادی ناظر به این لایحه مطرح شده بود، ازجمله موضوعاتی که از جانب کارشناسان مورد انتقاد قرار می‌گرفت، طبقاتی شدن جریمه بی‌حجابی بود. نکته این بود که برای بدپوششی و بی‌حجابی و تکرار آن جریمه‌های مالی تصاعدی درنظر گرفته شده است. برخی این نقد را مطرح می‌کردند که با اعمال این قانون، مجازات بی‌حجابی عملا طبقاتی می‌شود، یعنی فردی که به‌لحاظ اقتصادی تمکن مالی دارد با پرداخت این میزان جریمه، امکان جرم برای آنها فراهم می‌شود، درحقیقت فرد می‌تواند با پرداخت بهای بی‌قانونی این امکان را پیدا کند مرتکب جرم شود. اما فردی که از تمکن مالی برخوردار نیست، مجبور می‌شود برای مجازات نشدن قانون راعیبت کند. درحقیقت این قانون تنها برای افراد کم‌برخوردار یا طبقات پایین جامعه بازآزندگی به همراه دارد. البته فارغ از این موارد موضوعی که مورد توجه قرار داشت نیز این بود که جامعه و افکارعمومی نگاه مثبتی به طرح نداشتند و در سایه این نارضایتی برخی اطلاعات غلط و شایعات نیز درباره طرح عفاف و حجاب از جانب برخی رسانه‌ها مطرح می‌شد که لایحه نگاه نارضایتی و عدم‌افتاح دامن می‌زد.

▬ **تایید یا تکذیب جریمه ۳ میلیونی بی‌حجاب‌ها**

حالا و در روزهای بعد از برگزاری انتخابات مجلس که مشارکت ۴۰ درصدی مشخص‌ازنگ خطر نا نسبت به نارضایتی مردم نسبت به شرایط موجود در کشور، به‌صدا دارورده است و از طرفی بالا بودن میزان آرای باطله نیز این پیام را داشت حتی افرادی که رای دادند نیز از برخی عملکردها و سیاست‌ها نارضایتی دارند. ادامه دعواها میان برخی از نمایندگان منتخب مجلس و بعد از اعمال تغییرات در لایحه عفاف و حجاب مواردی است که نه‌تنها تلاشی برای ترمیم این بی‌اعتمادی و نارضایتی نیست، بلکه مثل سم مهلکی عمل کرده و به این بی‌اعتمادی دامن می‌زند. امیرحسین بانکی‌پور، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفت‌وگوی اخیر خود، از تغییرات جدید لایحه عفاف و حجاب صحبت به میان آورد و گفت: «اگر کسی مرتکب بی‌حجابی شد، ابتدا جریمه می‌شود، منتها این جریمه به شکلی که ما در تخلفات خوردور می‌بینیم، اتفاق نخواهد افتاد. جریمه مستقیما توسط مامور نیروی انتظامی صورت نمی‌گیرد و به‌صورت سامانه‌ای انجام می‌شود، مثلا وقتی در دوربین و فضای مجازی دیده شود، جریمه انجام می‌شود یعنی سه میلیون جریمه اعمال شده و از حساب فرد کم می‌شود، نکاتی هم در این قانون گذاشتیم اگر فرد نان‌آور خانواده باشد باید این مقدار پول در حسابش باشد، مابقی کم می‌شود. اگر در حسابش پول نباشد، به‌عنوان بدهکار حساب می‌شود و هر زمان که پول به حسابش آمد از حساب کم می‌شود.» اعمال سه میلیون جریمه برای بی‌حجابی و برداشت پول از حساب فرد، امری است که بعد از اظهارات بانکی‌پور واکنش‌های زیادی به همراه داشت. با این حال روز گذشته اخباری مبنی‌بر تکذیب آنچه از جانب بانکی‌پور مطرح شده بود، منتشر و گفته شد چنین چیزی توسط کمیسیون مشترک بررسی لایحه عفاف و حجاب که در مجلس یازدهم تشکیل شده، تصویب نشده است. با این حال برای پیگیری دقیق‌تر صحت یا عدم‌صحت آنچه توسط این نماینده مجلس مطرح شده، از طراحان و مطلعان لایحه عفاف و حجاب پرسیدیم.

▬ **قانون برداشت حساب از فرد صحت دارد**

برومبنای کسب اطلاع خبرنگار، «فرهیختگان» و علی‌رغم تکذیب اظهارات بانکی‌پور، به‌نظر می‌رسد کمیسیون قضایی مجلس این مجازات را در لایحه حجاب به تصویب رسانده و پس از آن طرح برای بار سوم به شورای نگهبان ارسال شده است. بر این اساس اعمال مجازات در این رابطه در اختیار قوه قضائیه نخواهد بود و پلیس به جریمه افراد می‌پردازد و تشخیص این موضوع نیز برعهده پلیس خواهد بود. درواقع فردی که پشت سامانه نشسته، افسر پلیس است و وقتی او تشخیص داد که فرد از قانون تخطی کرده، بر این اساس کدملی و اطلاعات فرد را مشخص می‌کند و او را به میزان سه میلیون تومان جریمه می‌کند و پول از حساب فرد کسر می‌شود. علاوه‌براین یک مرجع اعتراضی که آن‌هم شبه‌پلیسی است برای رسیدگی به شکایات افرادی که پول از حساب آنها کسر می‌شود، درنظر گرفته شده است. در جریان تصویب این طرح در کمیسیون قضایی مجلس، کمیسیون روی این تغییر اصرار کرده و رئیس مجلس نیز علی‌رغم اینکه کمیسیون چیز دیگری تصویب کرده بود و صحن براساس آن رای داده بود، نظر کمیسیون را پذیرفت و طرح اصلاح شده به شورای نگهبان ارسال شد.

اصلاحات اعمال‌شده بر طرح بعد از بازگشت طرح برای بار دوم از جانب شورای نگهبان اتفاق افتاد و نکته قابل‌توجه این بود که بند اصلاح‌شده اصلا در میان ایرادات شورای نگهبان، نبوده است و بر همین اساس رئیس مجلس نیز این استدلال را مطرح کرده بود که چون شورای نگهبان به طرح ایراد نگرفته نمی‌توان آن را تغییر داد، اما اعضای کمیسیون معتقد بودند به دلایلی می‌توانند این کار را انجام دهند. با این حال نهایتا قالیباف استدلال اعضای کمیسیون را می‌پذیرد و تغییرات در لایحه اعمال می‌شود. یکی از طراحان این لایحه در مورد جزئیات اعمال مجازات بی‌حجابی در این لایحه، گفت: «بی‌حجابی (کشف حجاب) برای پار اول، سه میلیون جریمه دارد، بدپوششی هم که در ماده ۴۹ تعریف شده، آنجا هم سه میلیون جریمه

# نقض مغالطه اصلاح‌طلبان در مورد مولفه‌های موثر بر مشارکت

عامه مردم به‌مثابه دلیلی برای مشارکت یا عدم‌مشارکت در انتخابات است، و الا در جای خود به‌عملکرد شورای نگهبان نقد‌های جدی وارد است، به‌خصوص در مواردی مثل رد صلاحیت علی‌لاریجانی در انتخابات ۱۴۰۰ و علی‌مطهری برای انتخابات ۹۸ و تایید وی برای انتخابات امسال! این‌سوال جدی در برابر شورای نگهبان مطرح است که چه چیز در مورد علی‌مطهری تغییر کرده که سبب تایید صلاحیت وی برای انتخابات امسال شده است؟ تا آنجا که ما می‌دانیم مطهری از هیچ‌یک از آن مواضعی که در صلاحیت وی رد در سال ۹۸ رقم زد اعلام برائت نکرده است؛ بنابراین اگر آن زمان صلاحیت وی به‌درستی رد شده، چرا امسال تایید شده و اگر امسال به‌درستی تایید شده، چرا در سال ۹۸ رد شده است؟ اگر پاسخ معطوف به فراهم آوردن بستری برای افزایش مشارکت مردم باشد، این ضرورت همواره مطرح بوده و رهبر انقلاب کرارا بر اهمیت غیرقابل‌انغماض «مشارکت حداکثری» تاکید داشته‌اند، بنابراین باز شورای نگهبان با این سوال مواجه است که چرا در ادوار قبل به این تاکید رهبری وضعی نهناده و موجبات خدشه و شبهه نسبت به نظام را به‌وجود آورده است؟ این انتخابات همچنین ثابت کرد آنها که نگرانی از انتخاب فردی مثل علی‌مطهری را به‌مثابه دلیل رد صلاحیتش از سوی نهاد نظارت عنوان می‌کردند، چه برآورد ناصحیحی از اوضاع جامعه و وزن واقعی افراد در میان مردم دارند. صلاحیت مطهری اگر سال ۹۸ هم تایید شده بود، سرنوشتی جز آنچه امسال برای او رقم خورد در انتظارش نبود، و لاریجانی نیز اگر در ۱۴۰۰ به میدان آمده بود، عقابتی بهتر از این نداشت؛ آن‌روها دولت مدعی تدبیر و اعتدال چنان از محبوبیت و مقبولیت مردمی ساقط شده بود، که هرگز نی‌امی‌کترین نسبتی بدان داشت و تداعی کرد تا دام آن بود، با همان دافع‌های که دولت روحانی طرد شد، از جانب مردم کنار گذاشته می‌شد! اما متأسفانه اشتباه محاسباتی شورای نگهبان سبب شد رد صلاحیت این افراد تنها منجر به مظلوم‌نمایی و قهرمان‌سازی آنها شود و زبان آنها را در برابر نظام بلند کند. صرف‌نظر از همه تقد‌هایی که به‌عملکرد شورای نگهبان در مقوله نظارت وارد است، اما مقصود اصلی ما بازشناسی شیوه مغالطه‌ای اصلاح‌طلبان بود که زیرکانه از بار مسئولیت عملکردی که سال‌ها در عالی‌ترین سطوح مدیریتی داشته و به موجب آن سهم غیرقابل‌انکاری در رقم خوردن «وضع موجود» داشته‌اند‌شانه خالی می‌کنند، و با فرار به جلویی سیاسی کارانه سعی دارند همه تقصیر نارضایتی و گلایه ملت از شرایط حاضر را به گردن نهادی بیندازند که هرگز شان اجرایی نداشته و آن‌گونه که آمار گواهی می‌دهد تصمیم او در رد یا تایید صلاحیت مدیران اجرایی و قانون‌گذاری نیز جایگاه قابل‌ذکری در دلایل مردم برای عدم‌مشارکت در انتخابات ندارد؛ ادعایی که در انتخابات اخیر به روشنی اثبات شد.

برخی چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب و عوامل دولت قبل و حضور آنها در عرصه انتخابات و نیز عدم‌تغییر در آمار مشارکت در انتخابات نسبت به دوره قبل، آشکارا حکایت از این حقیقت دارد که حضور یا عدم حضور افراد وابسته فلان گروه و بهمان جریان سیاسی تاثیر خاصی در مساله مشارکت ندارد و دلیل کاهش مشارکت مردم را باید جای دیگری جست‌وجو کرد؛ در حالی که بستگی وثیق به زندگی روزمره آنها داشته باشد. صرف‌نظر از درصد اندکی که به‌هر حال تحت هیچ شرایطی با نظام همراه نخواهند شد و در هیچ عرصه‌ای مشارکت نخواهند داشت، دلیل درصد قابل‌توجهی از افرادی که در انتخابات شرکت نکردند گلایه‌های به حقی بود که از شرایط موجود کشور -عمدتا اقتصاد- و برخی عملکردها و تا‌کارآمدی‌ها داشتند و به این شیوه صدای اعتراض خود را به گوش مسئولان رساندند.

این بخش از جامعه که البته چهار سال پیش هم با همین دلایل پای صندوق رای نیامد و با عدم مشارکت در انتخابات نارضایتی خود را از شرایط وقت اعلام کرد، میدان‌سوسال مرتصد این بود که در نتیجه مدیریت دولت و مجلس انقلابی تغییر محسوس در شرایط زندگی روزمره‌اش رقم بخورد، اما چون چنین نشد این‌بار هم نیامد تا بگوید ماممی که گشایشی در زندگی‌اش ایجاد نشود او نیز به کنش اعتراضی‌اش در عدم مشارکت سیاسی ادامه خواهد داد. بنابراین اگر مسئولان از آنها توقع مشارکت دارند، لازم است ابتدا در حوزه‌های مذکور تحولی رقم بزنند تا بتوانند اعتماد آنها را دوباره به دست بیاورند.

اینکه علی‌رغم همه تلاش‌های دشمن و همراهی تخریمی‌ها درصد مشارکت در انتخابات نسبت به چهار سال قبل تغییری نکرده، نشانه‌آن است که این بخش از مردم با اصل نظام زاویه نداشته و تنها به دلایلی کاملا انضمامی و داخلی روزمره با صندوق رای قهر کرده و مدتی است در عرصه‌های مشارکت سیاسی حضور ندارند. درست است که میزان قابل‌توجهی از وقت و هزینه‌های انرژی نظام در یک‌سال ونیم گذشته مصروف مقابله با هجمه بی‌امان و جنگ ترکیبی دشمن در اغتشاشات سال گذشته شد و همچنین بخش بزرگی از امکانات دولت به جبران کم‌کاری‌ها و ترک فعل‌های یک‌دهه گذشته اختصاص یافت، اما نباید این واقعیت را از‌نظر دور داشت که به‌هر حال علی‌رغم همه اقدامات زیربنایی و ساختاری متعدد، آنچه‌ان که انتظار می‌رفت تغییر محسوس در حوزه معیشت روزمره رخ ندهاد و بایسته است دولت به‌ویژه با همراهی مجلس جدید چاره‌ای جدی برای این مساله بیندیشد تا با بهبود اوضاع اقتصادی و نمودار شدن نتیجه تلاش‌های جهادی در سفره مردم، هم‌تعهد بی‌شائبه انقلابی‌های همیشه در میدان پاس داشته شود، هم اعتماد طیف معترض دوباره جلب شده و شاهد همراهی آنها در انتخابات ۱۴۰۲ باشد.

لازم است تصریح‌شود این جستار نافه تقد‌هایی که به‌عملکرد شورای نگهبان در بحث نظارت وارد است، نیست، مد‌عای ما عدم‌اولویت این موضوع برای

حال‌آنکه تجربه زیسته و مواجهه انضمامی با جامعه حکایت از آن داشت که آنچه بخشی‌هایی از مردم را نسبت به مشارکت در انتخابات بی‌رغبت کرده بود، اوضاع نابسامان اقتصادی و تنگنای معیشتی، وجود برخی تبعیض‌ها و فسادها در سطح مدیران، نا‌کارآمدی برخی نهاد‌ها و در یک کلمه شرایط موجود کشور و به‌ویژه آن مواردی است که به نحو مستقیم بر زندگی روزمره ایشان تاثیر می‌گذارد. و الا اکثریت قریب‌به‌اتفاق جامعه چندان در بند این نبود که چه کسی ای‌گروه و جناحی در میدان انتخابات حضور دارد یا ندارد، و بحث نظارت و رد صلاحیت‌ها اساسا برای اکثریت مردم موضوعیت و اولویت ندارد، و نهایتا در سطح نخبگانی است که ممکن است محلی از اعراب داشته باشد.

نظرسنجی‌های پیش از انتخابات نیز موید همین نکته بود و حکایت از آن داشت که تنها بین ۳ تا ۵ درصد دلایل افرادی که قصد شرکت در انتخابات را نداشتند ناظر به مقوله نظارت و بود و نبود فلان فرد و بهمان جریان در میدان رقابت است.

این موضوع حتی مورد اذعان علی‌باقری از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب و از اعضاکنندگان بنیانه موسوم به «روزنه‌گشایی» نیز قرار گرفت و یا اینکه وی یک هفته مانده به انتخابات به برنامه «شیوه» شبکه ۴ رفت تا از همان اد‌عای نخستین دفاع کند و میزان مشارکت در انتخابات را به حضور چهره‌ها در انتخابات گره بزند و به عبارت دقیق‌تر به آن فروبکاهد، ناخواسته آماری ارائه داد که غرض نخستین خود وی را نقض کرد؛ باقری با ارائه آماری علل عدم مشارکت آن بخشی از مردم را که قصد نداشتند در انتخابات شرکت کنند، بر مبنای نظرسنجی «ایسا» این‌گونه اعلام کرد: ۱. عدم‌رضایت از شرایط موجود کشور، ۲. عدم‌امید به آینده، ۳. عدم‌رضایت از عملکرد مجلس کنونی، ۴. عدم‌امید به اثرپخشنی نهاد مجلس، ۵. احساس بی‌قدرتی سیاسی.» چنانکه ملاحظه می‌شود مساله نظارت و رد یا تایید صلاحیت‌ها هیچ جایی در موارد پنج‌گانه فوق نداشت، جالب‌اما اینجاست موضوعی که حتی در میان پنج دلیل نخست افرادی که قصد شرکت در انتخابات را نداشتند هم نبود، با تردستی هنرمندانه یک جریان سیاسی به صدر این لیست ارتقا یافت و با جنجال و هیاهو چنان بر آن تاکید شد کانه یگانه دلیل روی‌گردانی آن دسته از مردم از صندوق رای است. درعلم منطق به این شیوه می‌گویند «مغالطه بزرگ‌نمایی»؛ این مغالطه در شرایطی مجرا پیدا می‌کند و «مطالب مورد نظر چنان بیان می‌شود که ابعاد مطلوب آن کاملا برجسته و مورد توجه و ابعاد نامطلوب آن نادیده گرفته شود.» (منطق کاربردی/ علی‌اصغر خندان) یعنی دقیقا همین کاری که اصلاح‌طلبان در مواجهه با امر انتخابات کردند و دلایل افت مشارکت را به مقوله نظارت تقلیل دادند. نتایج انتخابات ۱۱ اسفند اما مهر پطلانی بر این اد‌عای چهارساله اصلاح‌طلبانه زد؛ تایید صلاحیت